

افسانه‌های حشاشین

اسطوره‌های اسماعیلیه

تألیف: دکتر فرهاد دفتری

انتشارات تورس - ۲۱۴ صفحه

لندن و نیویورک - ۱۹۹۴

FARHAD DAFTARY

The Assassin Legends: Myths of the Ismailis.

I. B. Tauris Publishers.

London. New York. 1994

از اواسط قرن ششم هجری به بعد افسانه‌های مربوط به حسن صباح و فرقه اسماعیلیه و فدائیان اسماعیلی در افواه رجال و بطون دفاتر تصاویر مخدوش و مذبذب و گروه افراطی خطرناک را در اذهان و افکار ترسیم کرده که در آن فدائیان اسماعیلی خنجر به دست و مصمم به اشاره داعیان و محتشمان قوم خویش به مأموریت‌های خطرناک رفته و دشمنان سیاسی و عقیدتی خود را به طرز فجیعی به قتل می‌رسانده‌اند. نظریه پرداز سیاسی برجسته قرون وسطی ایران، سیاستمدار نامی عصر سلجوقی خواجه نظام الملک طوسی شاید معروف‌ترین قربانی فدائیان اسماعیلی بوده است. فرقه اسماعیلیه شعبه‌ای معتبر و مهم از شعب مختلف شیعه است که چه از جهت نظریات کلامی و فلسفی و چه از جهت تاریخ سیاسی و اجتماعی قرون وسطی ایران و دیگر جوامع همجوار نقشی بسیار اساسی و دیرپا داشته است. ناصر خسرو قبادیانی شاعر و فیلسوف طراز اول قرن چهارم یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان کلامی-فلسفی این فرقه شیعی بوده است. نقش بسیار اساسی فرقه اسماعیلیه در تاریخ فکری و سیاسی قرون وسطی به جای خود، پیرامون این شعبه از شیعه افسانه‌ها و اسطوره‌های عدیدهای از میانه قرن ششم هجری به بعد در اروپا شکل گرفته که حل و فصل و ریشه‌یابی آنها موضوع کتاب جدید دکتر فرهاد دفتری است.

دکتر دفتری در حال حاضر یکی از برجسته‌ترین تاریخنگاران فرقه اسماعیلیه در جهان است. کتاب «تاریخ و عقاید اسماعیلیه» ایشان که در سال ۱۹۹۰ توسط شرکت انتشاراتی دانشگاه کمبریج چاپ و نشر شد بی‌شک جامع‌ترین کتاب در این زمینه است. بسیاری از مقالات مربوط به فرقه

اسماعیلیه در «دائرةالمعارف ایرانیکا» نیز به قلم ایشان است. اما موضوع کتاب «افسانه‌های حشاشین» تحلیل و تفسیر و ردیابی اسطوره‌های مربوط به این فرقه در اروپاست. به قرار تحقیق دکتر دفتری از زمان جنگهای صلیبی به بعد افسانه‌های متعددی درباره فدائیان اسماعیلی در اروپای کاتولیک رایج و جاری بوده است. قلعه‌های افسانه‌ای اسماعیلیان در سوریه و ایران، رهبری مرموز و مخفیانه داعیان اسماعیلی، فرمانبرداری بی‌چون و چرا و کورکورانه، استفاده از حشیش و دیگر مواد مخدر برای ایجاد حالات خلسه، و مآلاً «در باغ سبز نشان دادن» به نشانه‌ای از بهشت از جمله موادی است که با آن قصه‌های مزبوط به اسماعیلیان نزاری با آب‌وتاب تمام نقل شده است. مارکوپولوی ونیزی، که از فرط دروغ‌گویی در بین هموطنانش به «مارکوی میلیونی» معروف است (چرا که در هر موردی علاقه به اشاره رقم «میلیون» داشت: «یک میلیون سرباز چینی»، «یک میلیون فدائی اسماعیلی»، «میلیونها سکه طلا» و غیره)، بعدها قصه‌های منقول از صلیبیون را با آب‌وتاب بیشتری در سفرنامه معروف خود (که مدتها در اروپا برای تفریح و سرگرمی خوانده می‌شد) یاد کرده و از این طریق این افسانه‌ها در اروپا منتشر شده تا جایی که در حال حاضر در زبانهای اروپایی صرف لغت «Assassin» به معنی «قاتل» و «جانی» را مأخوذ از کلمه «حشیش» می‌دانند، یعنی ماده‌ای مخدر که از قرار این افسانه‌ها به فدائیان اسماعیلی می‌داده‌اند تا آنها را به باغ معروف حسن صباح ببرند و به آنها بگویند این بهشت است و اگر تو در راه اعتقادت جهاد کردی و کشته شدی به اینجا خواهی آمد.

دکتر دفتری ریشه‌های این افسانه‌ها را نه تنها در باورها و اعتقادات عوام اروپا که در آثار به اصطلاح «علمی» مستشرقین نیز ردیابی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه شرق‌شناسانی نظیر برنارد لوتیس، مارشال هاجسون، و ساموئل استرن علماً و عامداً اسماعیلیان نزاری را با لغت «Assassin» معرفی می‌کرده‌اند، لغتی که امروزه قرباتی نزدیک با لغت دیگر مورد علاقه روزنامه‌نگاران اروپایی و آمریکایی در مورد مسلمانان یعنی «Terrorist» دارد. جالب توجه است که نه برای لغت «Assassin» و نه برای «Terrorist» آنچنان که در زبانهای اروپایی مورد استفاده است، نه در عربی و نه در فارسی معادلی وجود ندارد. لغت «ارعابی» در عربی و «خرابکار» در فارسی در واقع لغات جدیدالوضعی است که در مقابل کلمه «Terrorist» ساخته شده است.

با احاطه کم‌نظیری هم به منابع اولیه اسماعیلیه و هم به آخرین تحقیقات در این زمینه دکتر دفتری در این کتاب نقاط تلاقی حقیقت و افسانه را به دقت و روشکافی نشان می‌دهد. ظاهراً بعد از افسانه‌ها و قصه‌های ناشی از جهل و تعصبی که اروپائیان کاتولیک در زمان جنگهای صلیبی درباره اسماعیلیه نزاری به هم می‌بافند، مورخین مسیحی قرون وسطی و مآلاً مارکوپولو صورتهائی این قصه‌ها را به اولین نسل‌های مستشرقین می‌سپارند. به قرار تحقیقات دکتر دفتری سیلوستر دوساسی اولین مستشرقی است که در قرن نوزدهم این افسانه‌ها را منشاء روایت جدیدی می‌کند که از آن به بعد منشاء کار مستشرقین نسل‌های بعد می‌گردد. توجه سیلوستر دوساسی به تاریخ اسماعیلیه نزاری بیشتر به دلیل تحقیقات او پیرامون فرقه «دروز» در نواحی لبنان و سوریه بود. بعد از انقلاب فرانسه و



The
ASSASSIN
LEGENDS
Myths of the Isma'ilis
FARHAD DAFTARY

TRADE MARK



● دکتر فرهاد دفتاری

به‌هنگام توسعه اهداف استعماری ناپلئون در آسیا و آفریقا، سیلوستر دوساسی در سال ۱۸۳۲ به‌عضویت لژیون دونور فرانسه درمی‌آید و در سال ۱۸۳۸ تحقیق مفصل دو جلدی او پیرامون فرقه (دروز) منتشر می‌شود. در مقدمه این تحقیق است که سیلوستر دوساسی تفصیل نظریات خود را پیرامون اسماعیلیه نزاری و یا به‌قول او و دیگر شرقشناسان «قاتلان حرفه‌ای» («Assassins») بیان می‌کند.

بر اساس تحقیقات دکتر دفتاری دو نوع منابع مقرون به‌غرض مبنای عقاید و نظریات سیلوستر دوساسی به‌عنوان اولین شرقشناس که مهر تثبیت و تأیید بر کلمه «Assassin» برای اسماعیلیه نزاری زده وجود داشته است: یکی عقاید ضداسماعیلی مورخین و متکلمین شیعی مذهب نظیر ابن‌رزاق و اخو محسن که توسط شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب النویری صاحب «نهایة‌الارباب» ضبط شده است و دیگر اخبار و روایات صلیبیون که به‌مرور ایام در افواه رجال و بطون دفاتر حفظ شده است. طی بحث فیلولوژیک مبسوطی نیز سیلوستر دوساسی منشأ کلمه «Assassin» را الفاظی نظیر «حشیش» و «حشیشیه» و «حشیشیین» دانسته است. در ریشه‌یابی علل و سبب ساختن و پرداختن این اسطوره‌ها درباره اسماعیلیه، دکتر دفتاری در واقع دنباله کار جامع خود را پیرامون بازسازی تاریخ اسماعیلیه بر اساس منابع دست اول و کمتر مورد استناد گرفته است. به‌قول ایشان: «اینکه عالم عالیقدری نظیر سیلوستر دوساسی بدین سهولت در دام تأثیر دو جانبه تبلیغات ضداسماعیلی مبلغان سنی و قاتل‌های «قاتلان حرفه‌ای» صلیبیون بیافتد یادآور مجددی است که

چگونه اسماعیلیه تا همین اواخر تقریباً به طور انحصاری بر اساس منابع جمع آوری و یا جعل شده توسط دشمنان و یا ناظران بیسواد مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.»

تحقیق دکتر دفتری پیرامون ریشه‌یابی اسطوره‌های ساخته شده درباره فدائیان اسماعیلی در واقع نوعی «باستانشناسی» سیاسی-اجتماعی خلق اسطوره است. به قول هانس بلومبرگ، نظریه پرداز برجسته اسطوره، خلق اسطوره‌ها ارتباطی ماهوی با عدم توانایی انسان در رویارویی با تشنّت واقعیت دارد. تقسیم دنیا و مافیها به تأثیرات ازلی و ابدی و نیروهای اهورائی و اهریمنی از قدیمی‌ترین و بدیهی‌ترین طرق رویارویی با این تشنّت واقعیت است. قدر مسلم آنست که در محدوده فرهنگ ملل و نخل اسلامی فرقه اسماعیلیه جنبشی انقلابی و فراگیر بوده که با تعبیری خلاق از مقوله امامت در تشیع تاریخ قرون وسطی را شاهد یگی از عظیم‌ترین جنبش‌های انقلابی ساخت. مورخین و متکلمین و نیز سیاستمداران اهل تسنن از شهاب‌الدین نویری گرفته تا امام محمد غزالی تا خواجه نظام‌الملک طوسی همگی با هراس و دلهره غیر قابل وصفی از این فرقه یاد کرده‌اند. توده‌های شهری و روستائی که در دول فنودال عباسی و سلجوقی اثری از آثار و عده‌های اخوت و برابری صدر اسلام نمی‌دیدند به تدریج در عقاید مهدیگری منتظر ناجی رهایی‌بخشی بودند که از بند ظلم و جور حکام عرب و ترک و ایرانی آزادشان کند. جنبش اسماعیلیه در واقع ظهور سیاسی-اجتماعی این قبیل تألمات بود که در قوالب عقیدتی شیعه بروز می‌کرد. از این نظر جنبش انقلابی اسماعیلیه فرق فاحشی با جنبش‌های مشابهی که پیرامون شخصیت‌های بارزی نظیر علی بن ابی طالب (ع)، حسین بن علی (ع) و یازید بن علی (ع) شکل گرفت نداشته است. فرق مختلفه تشیع و خوارج به طور کلی تا جایی که به جنبش‌های قرامطه و اسماعیلیه برسد برآیند دو نیروی فکری و سیاسی بوده است که از سونئی توانائی‌های بالقوه عقیدتی مستتر در آیات و احادیث را به برخی نتیجه‌گیریهای منطقی خود می‌کشاند و از سوی دیگر بازتاب ظلم و ستمی است که در واقع خمیرمایه اصلی تحرک تاریخ بوده است.

عکس‌العمل شدید مورخین و متکلمین و سیاستمداران فنودال عصر سلجوقی نسبت به اسماعیلیه و عقاید آنها در واقع منشعب از خلل و وقفه‌ای است که این حرکت انقلابی در بدو امر چه از نظر سیاسی و چه از نظر فکری در بطن تفکر و تشکیلات سیاسی خلفای عباسی و سلاطین سلجوقی ایجاد کرده است. دولت‌های انقلابی از این قبیل در واقع نوعی کاشتن تخم شکاند در دل خاکی که بارور نوعی تصور دیگر گونه در هستی نمی‌توانستی بود. صرف امکان این تصور دیگرگونه تصور حاکم را متزلزل و از حیطة اعتبار صرف و ثابت ساقط می‌کند. سقوط اعتبار صرف نیز به نوبه خود متضمن بهم‌پاشیدن نه فقط اساس سیاسی-اجتماعی که کل روایتی است که شالوده بی‌اعتبار و بی‌رویه هستی را اعتبار و انتظام می‌بخشد. همین معنی به طور اعلی پیرامون عکس‌العمل صلیبیین در مقابل مسلمانان به طور کلی و اسماعیلیه نزاری سوریه به طور اخص جاری است. تأثیر جنگهای صلیبی نه تنها در تاریخنگاری اروپای فنودال که مآلاً در بطن فرهنگ و تصور خلاق اروپائیان راه یافت. در اپراهای روسینی (Tancredi)، گلوک (Armide)، هایدن (اپرای دیگری باز

هم تحت عنوان Armide)، وردی (I Lombardi) و ویر (Euryanthe)، پیتزتی (Assassino nella cattedrale) و دونی زتی (Rosmund d'nguilterra) به عنوان نمونه، تداوم این قبیل عواطف، خاطرات جنگهای صلیبی و تماس با اعراب و مسلمانان و فرقه اسماعیلیه در قالب گسترده تر هنرهای دراماتیک همچنان وجود دارد. در اپرای «Assassino nella cattedrale» که پیتزتی آن را بر اساس نمایشنامه ت. اس. الیوت قتل در کاتدرال در سال ۱۹۵۸ تنظیم کرد و در میلان به صحنه آورد صرف کلمه «Assassin» بار دیگر بایکی از مهمترین اتفاقات زمان جنگهای صلیبی یعنی قتل سمونل بکت در کاتدرال کانتربری توسط چهار تن از فرماندهان هانری دوم عجین گشت.

بنابراین با آنکه این جنبه موضوع چندان مورد توجه دکتر دفتری نبوده و ایشان بیشتر در پی ردیابی تصورات باطلی است که اروپائیان قرون وسطی و مآلاً معاصر درباره اسماعیلیه داشته اند معیناً کتاب «افسانه های حشاشین» نمونه تحقیق دقیقی است پیرامون عملکرد اسطوره ها در شکل گیری تصورات تاریخی. قدر مسلم آنست که افسانه های مربوط به اسماعیلیه یکی از پرشاخ و برگ ترین تخیلات تاریخی اروپای قرون وسطی است. ترس و وحشت از مسلمانان به طور اعم، خصوصت های دامنه دار منشعب از جنگهای صلیبی تا برسد به تشکیل دولت عثمانی به عنوان سرسخت ترین رقیب دول اروپایی، مجادله های مذهبی مسیحیت بر علیه همه مذاهب جهان از جمله اسلام (همچنانکه از کتاب «کمدی الهی» دانته به وضوح، پیداست)، رقابت های سیاسی و اقتصادی متمرکز پیرامون مدیترانه (به خصوص بین حکومت ونیز و امپراطوری عثمانی که هم در نمایشنامه «اتللو») ی شکسپیر و هم در اپرای «اتللو» وردی منعکس است. از جمله علل عدیده ایست که به این قبیل تصورات دامن می زده است. به طور قطع این امر اتفاقی نبوده است که به اعتبار قول دکتر دفتری صور نهائی افسانه های مربوط به اسماعیلیه را مارکوپولوی ونیزی رقم زده است. مقولات قدرت و نیز مبارزات سیاسی و اقتصادی در واقع دلایل زیربنائی شکل گیری و اعتبار تدریجی این قبیل تصورات فرهنگی است. و نیز دقیقاً همین مقولات است که در بدو شکل گیری پروژه «شرق شناسی» شرق شناسان برجسته ای نظیر سیلوستر دوساسی را بر آن می دارد که مهر تأیید و تثبیت بر تصورات قرون وسطی اروپائیان درباره اسماعیلیه بزنند. اهمیت کار دکتر دفتری در واقع بیشتر در همین نکته است که بدون وارد شدن در بحث های نظری پیرامون مقولات شکل گیری تصورات فرهنگی و بازسازی خلاق فرهنگهای متخاصم لایه های تودرتوی یکی از قدیمی ترین و دیرپاترین افسانه های مربوط به «شرق» را از هم باز کرده ماهیت خیالی آنرا نشان می دهد. افسانه ای مربوط به «سه یار دبستانی» (خواجه نظام الملک، خیام، و حسن صباح) که در واقع از طریق فیتزجرالد در اروپا عمر دوباره یافت. عمق اهمیت خیالپروری درباره «شرق» را در شکل گیری صرف ماهیت وجودی «غرب» نشان می دهد. رمانتیسیم فیتزجرالد در ساختن و پرداختن «عمر خیام» و رباعیات او در واقع روی دیگر سکه عصر روشنگری در اروپاست که هر چه بیشتر خود را مرکز نقل «عقل» و «پیشرفت» می پنداشت (پنداری که امروزه تفکرات «پست مدرنیته» از بیخ و بن باطل دانسته و محصول عوامل تاریخی مشخصی می داند). توجه ناگزیر دکتر دفتری به مقوله قدرت

وی را به درستی به سوی جنگهای صلیبی رهنمون بوده است، جنگهایی که طی آن سربازان مسیحی به تحریک و تهییج پاپ رو به اورشلیم نهادند و در بازگشت ناقل بسیاری افسانه‌ها و قصه‌های پرشاخ و برگ بودند تا اذهان منتظر و مشتاق خویشان و آشنایان خود را با آن سرگرم کنند. این سرگرمی اما صرفاً جنبه تفریح و تفنن نداشته است. ساختن و پرداختن این قبیل قصه از جمله مهمترین ابزار فرهنگی شکل‌گرفتن هویت «خویش» و «دیگران» است. به همین جهت مطالعه دقیق اسطوره «حشاشین» آنچنان که در افواه رجال و بطون دقاتر اروپای قرون وسطی ساخته و پرداخته و شاخ و برگ یافته و بعدها نیز توسط مستشرقین طراز اولی نظیر سیلواستر دوساسی مهر تأیید گرفته در واقع ردیابی نوعی «آسیب‌شناسی اجتماعی-روانی» واگیر است که تجزیه و تحلیل آن بیشتر ما را رهنمون به احوال و افکار واضعان این اسطوره‌هاست تا دریافتی تاریخی از اوضاع و احوال فرقه اسماعیلیه. این مهم نه فقط درباره اسطوره‌ها «حشاشین» که در واقع درباره کل پروژه «شرقشناسی» صادق است. اما در عین حال این اسطوره‌ها با شاخ و برگ و حشو و زوائدی که به تدریج یافته و داستانها و حکایاتی که پیرامون حشیش و باغ بهشت و پیرمرد کوهستانی و غیرهما به هم بافته عمق و وسعت این نوع خیالپردازیها را بیشتر و بهتر نشان می‌دهد. نکته‌ای را که بارها و بارها در طول کتاب دکتر دفتری از آن با تعجب یاد می‌کند این مهم است که چگونه «مطالعات دقیق علمی شرقشناسان»، به قول ایشان، این قبیل اسطوره‌ها را نه فقط رد نکرده بلکه مورد تأیید و تأکید قرار داده است. نه فقط سیلواستر دوساسی بلکه نسل‌های مختلف شرق‌شناسان برجسته در واقع مهر تأیید

«علمی» به این افسانه‌ها زده‌اند و این مهم برای دکتر دفتری به دفعات باعث تعجب است. البته در این مورد و نیز موارد مشابه بسیار دیگر کوچکترین جای تعجبی نیست چرا که همچنانکه افسانه‌های یافته‌شده در زمان جنگهای صلیبی و خیالپردازیهای مارکوپولو ارتباطی مستقیم با فرهنگ جاری و معاصر خود و خصوصت طبیعی با فرهنگ اسلامی داشته است، پروژه شرقشناسی نیز بالطبع از تاریخ معاصر اروپا، معادلات قدرت و روابط متخاصم فرهنگها جدائی‌ناپذیر است. پدیده‌های اهریمن‌سازی و اهریمن‌شناسی جزء لاینفک همه فرهنگهاست. اتفاقاً شاید برجسته‌ترین جنبه مطالعه دکتر دفتری در این است که ردیابی افسانه‌های حشاشین را در آثار اروپائیان از عصر صلیبیون تا زمان حاضر به مطالعه مشابهی در آثار خود مسلمانان پیوند می‌دهد. خصوصت طبیعی مورخین فتودال و متکلمین و فقهای سنی با شیعیان علی (ع) به‌طور کلی و با فرقه‌هایی انقلابی نظیر زیدیه و اسماعیلیه به‌طور اخص باعث جعل و ترویج بسیاری اکاذیب در باب آنها بوده است. استنباط برخی مسلمانان سنی از فرقه اسماعیلیه در واقع بسیار شبیه تلقی اروپای کاتولیک از کل مسلمانان است: نوعی واگیر از اهریمن‌سازی و اهریمن‌شناسی که در واقع بیشتر مبین آسیب‌شناسی اجتماعی-روانی خود واضعان این اسطوره‌ها است تا بیان واقعیتی درباره موضوع و فرقه مورد بحث. ابو حامد غزالی و خواجه نظام‌الملک طوسی از مهمترین دشمنان اسماعیلیه بودند که در نوشته‌های خود این فرقه را به‌انواع فسق و فجور متهم می‌سازند و در حق ایشان بیرحمانه‌ترین خشونت‌ها را جایز و واجب می‌دانند. قسمت عمده تبلیغات ناضر خسرو اسماعیلی در واقع در جهت رد تهمت‌های گوناگونی است که به این فرقه زده‌اند.

ولی در عین حال در تجزیه و تحلیل و ریشه‌یابی اسطوره‌های مربوط به اسماعیلیه گهگاه دکتر دفتری چهره‌ای بسیار مظلوم و ستم‌کشیده از این فرقه ترسیم می‌کند که شاید قدری محتاج تعدیل است. قدر مسلم آنست که فرقه اسماعیلیه موجب حرکتی انقلابی در عرصه اعتقاد و سیاست قرون وسطی اسلام بوده است. اعتقاد راسخ به وجود امام معصوم، نظریه‌ای مبسوط پیرامون تأویل و تفسیر آیات و احادیث و نیز مبارزات تبلیغاتی و نظامی علیه کلام سنی و حکومت فتودال عباسی و سلجوقی از مشخصات عمده نهضت اسماعیلیه بوده است. سرکوبی شدید اسماعیلیه توسط دولت سلجوقی و نیز وجود رسالات عدیده بر علیه اصول اعتقادی این فرقه دلیل بر این نیست که اسماعیلیه فی حد ذاته جنبش بنیانی و انقلابی در دو زمینه توأمان فکر و عمل نبوده و در پیشبرد مقاصد خود به قاطع‌ترین و وسائل خشونت متوسل نمی‌شده است. اتفاقاً حدت و شدت عکس‌العمل دولت فتودال سلجوقی و نیز متکلمین سنی در برابر اسماعیلیه و انتساب آن به ملاحده و مزدکیه و غیره خود دلیل نفوذ کلام و قدرت نظامی این فرقه بوده است. ستونهای قلعه الموت را فقط هلاکوی مغول توانست به لرزه درآورد. دانشمند، فیلسوف، متکلم، و سیاستمدار طراز اولی چون خواجه نصیرالدین طوسی یکی از پربرابرترین ادوار حیات علمی خود را در خدمت اسماعیلیان گذراند. علیرغم انکار بعدی خود او و نیز علی‌رغم اصرار مورخین شیعه اثنی عشری، قدر مسلم آنست که در آثاری نظیر اخلاق ناصری و تنبیه‌الاشراف رد افکار اسماعیلی هویدا است. شاعر و فیلسوف طراز اولی

نظیر ناصر خسرو قبادیانی شیفته و فدائی فرقه اسماعیلیه بود و تمامی استعداد و نبوغ کم نظیر خود را در شعر فارسی در خدمت این اعتقاد نهاد. علاوه بر این کتابهائی نظیر *خوان و اخوان* و *جامع الحکمتین*، نمونه اعلای نثر و تفکر فلسفی در فارسی، نشانه‌های فسج‌تفکری فلسفی و منسجم در محدوده اعتقادی اسماعیلیه است. بنابراین چه از نظر سیاسی و چه از نظر اعتقادی شیعیان اسماعیلی آلت‌رناتیو بسیار مقبولی در مقابل حکومت عباسیان و سلاجقه و فقه و کلام و فلسفه سنی به وجود آوردند. شدت و حدت مقابله سلاجقه و عباسیه و متکلمین و فقهای سنی در برابر آنها هم از همین روست. بنابراین ترسیم چهره‌ای مظلوم و محروم و ستم‌کشیده از اسماعیلیه به صرف وجود برخی لاطانات افسانه‌ای درباره آنها شاید چندان مقرون به‌درک تاریخی از این حرکت انقلابی نباشد.

یک نکته دیگر قابل تأمل اصرار دکتر دفتری است به وجود «متون واقعی اسماعیلی» (در مقابل افسانه‌های جعلی) و یا «ارزیابی واقعاً علمی اسماعیلیه» (در مقابل نوشته‌های مقرون به‌غرض) قدر مسلم آنست که نه فقط این کتاب دکتر دفتری بلکه کتاب قبلی ایشان درباره تاریخ اسماعیلیه از جمله دقیق‌ترین، مستندترین و بی‌طرفانه‌ترین مطالعات ممکن درباره این فرقه است. ولی این مهم دلیل بر آن نیست که اسناد و مدارک و متون خود اسماعیلیه بری از نقطه‌نظر و یا جنبه‌های فاحش تبلیغاتی است. همچنان که دشمنان اسماعیلیه سعی در تخریب و تبذیر در افکار و آثار آنان داشته‌اند، متکلمین و فلاسفه و مبلغین این فرقه طبیعتاً سعی بر مبالغه و تفریط در بیان همان افکار و اعتقادات داشته‌اند. در این مورد البته بین آثار اعتقادی و فلسفی اسماعیلیه و آثار تبلیغاتی آنان فرق فاحش وجود دارد. معهداً «متون واقعی اسماعیلی» همانقدر باید به محک نقد و شک درآید که آثار مخالفان و دشمنان آنان. همچنان است لفظ «ارزیابی واقعاً علمی اسماعیلیه». باز هم قابل تکرار است که مسلماً هیچ مورخی تاکنون به دقت و بی‌طرفی و انصاف نظر دکتر دفتری به مطالعه اسماعیلیه و تاریخ آنان نپرداخته است. معهداً کمتر چیزی در جهان کسل‌کننده‌تر از سیاهه بلندبالایی از «واقعیات» («facts») وجود دارد. معنی و اهمیت این «واقعیات» همواره در گرو نقطه‌نظر و جهت‌روائی و یا به عبارات دقیق‌تر مبدا و معاد گفتاری مستتر در یک اثر است.

مطالعه این کتاب را به‌همه دانشجویان تاریخ قرون وسطی ایران و اسلام و نیز علاقمندان به نظریه‌های جاری پیرامون بازسازی خلاق فرهنگها توصیه می‌کنم.